



مقدمه

روند تکوین دولت - ملت در خاورمیانه در پی جنگ اول جهانی، امکان آنرا فراهم نساخت تا کردها، این مردمان دیرین منطقه، از دولت مستقل خود برخوردار گردند. ضعف شعور ملی کرد در اوایل قرن بیستم از سویی و دخالت‌های غیرعادلانه‌ی ابرقدرت‌های آن دوران در امور منطقه‌ی ما از سوی دیگر، موجب محرومیت ملت کرد از يك دولت مستقل گشتند. چنین وضعیتی باعث شکلگیری مرزهای دولت ملت‌های تازه تأسیس منطقه به سود چند ملت و به حساب تقسیم دوباره‌ی کردستان و انکار هویت ملی کردها و حق مشارکت این ملت در حاکمیت سیاسی گردید و همین ستمگری تاریخی به سرآغاز دوران جدید خونینی در مبارزه‌ی آزادیخواهانه ملت کرد در راه تأمین حق تعیین سرنوشت بدل گردید.

هرچند در ایران نیز دسیسه‌ی امحاء سیستماتیک هویت ملی کرد، بخش لایتجزای پروژه‌ی تثبیت دولت - ملت ایرانی در پی به قدرت رسیدن رضا شاه پهلوی بود، اما کلیه‌ی این تلاشها نتوانستند مانع پیشرفت روند طبیعی تکامل تاریخی هویت ملی کرد در شرق کردستان گردند. ناسیونالیزم مدرن کرد در شرق کردستان نیز، که به شیوه‌ای قابل درک از سویی محصول رشد جوانب گوناگون جامعه‌ی کردستان و از سویی دیگر نتیجه‌ی مبارزات ملی قشر روشنفکر کرد بود، از طریق تأزیس "کومله‌ی ژ - ک" در سال ۱۳۲۱، شیوه‌ی سازمانی به خود گرفت. هویت "کومله‌ی ژ - ک" بر اساس ارتقاء سطح آگاهی ملی و آرمان آزادی کرد در سرزمین کردستان و تأسیس دولت ملی کردها پی‌ریزی شده بود. "ژ - ک" پس از سه سال، بدلیل گسترش فضای فعالیت و در آستانه‌ی ایجاد زمینه برای تشکیل يك حکومت کردی در شرق کردستان، که کلیه‌ی طبقات و اقشار آن دورن جامعه‌ی کردستان را در صفوف خود گرد آورد،



جای خود را به حزب دمکرات کردستان داد. بر این اساس، حزب دمکرات کردستان در ۲۵ مردادماه زال ۱۳۲۴ شمسی (۱۶ اوت سال ۱۹۴۵ میلادی) به رهبری پیشوا قاضی محمد تأسیس شد.

تأسیس حزب دمکرات کردستان بر مبنای اصول "کومله‌ی ژ. ک" نقطه عطف مهمی در تاریخ ملت کرد و سرآغاز مرحله‌ی نوینی در مبارزه‌ی ملت‌مان بشمار می‌آید. تحت رهبری این حزب بود که ملت کرد برای نخستین بار در تاریخ نوین خود توانست در بخشی از کردستان جمهوری کردستان را تشکیل دهد.

جمهوری کردستان برای نخستین بار شیوه‌ی حاکمیت کردها در شکلی مدرن و با محتوایی دمکراتیک را به منصفی ظهور رسانید. هر چند جمهوری کردستان پس از ۱۱ ماه حاکمیت دمکراتیک بدلیل یورش حاکمیت پادشاهی آن دوران جوانمردگ شد، اما تجربه‌ی دمکراتیک حاکمیت در جمهوری کردستان، برگ زرینی در تاریخ سیاسی ملت کرد در راه تحقق حقوق ملی و دمکراتیک آن بشمار می‌آید. جوهر دمکراتیک حاکمیت در این جمهوری که اساساً بر اصل احترام به اراده‌ی مردم کردستان از سویی و تلاش در راستای همزیستی توأم با احترام متقابل با ملت‌های همسایه از سوی دیگر پی‌ریزی شده بود، نه‌تنها در سطح کردستان و ایران آن دوران، بلکه هم آن زمان و هم در حال حاضر در کل خاورمیانه رویداد مهمی بشمار می‌رود. هر چند پیشوا قاضی محمد و بخش دیگری از رهبران حزب و جمهوری در راه مبارزات آزادیخواهانه‌ی خویش به فرمان رژیم پادشاهی ایران به دار آویخته شدند، اما تجربه‌ی دمکراتیک و ترقیخواهانه‌ی جمهوری کردستان کماکان چراغ راهنمای نسل‌های آینده جنبش آزادیخواهانه‌ی ملت کرد بوده و خواهد بود.



علیرغم آنکه فروپاشی جمهوری کردستان ضربیه‌ی مهلکی بر پیکر حزب دمکرات کردستان بود، اما مبارزان این حزب طی مدت نسبتاً کوتاهی خود را تجدید سازمان داده و مبارزه‌ی آزادیخواهانه‌ی خویش را از سر گرفتند.

حزب دمکرات کردستان طی مدت نزدیک به ۶۳ سال حیات خویش برگهای زرین بسیاری را در تاریخ ملت کرد به ثبت رسانده است. پیروزیهای بزرگ بسیاری کسب کرده و متحمل شکست و ناکامی نیز شده است. علاوه بر تأسیس جمهوری کردستان که نقطه‌ی اوج پیروزی این حزب و بطور کلی جنبش آزادیخواهانه‌ی کرد بشمار می‌رود، حزب دمکرات جنبش پر شکوه سالهای ۴۷ - ۱۳۴۶ را برپا ساخته، چند بار در رقابتهای انتخاباتی خود را محک زده و هر بار به موفقیت دست یافته است و سرانجام برای مدت نزدیک به یک ربع قرن مبارزه‌ی قهرمانانه‌ای را علیه دیکتاتوری ولایت فقیهی به پیش برده است.

این حزب در عین حال شاهد سرنگونی جمهوری کردستان و شکست قیام مسلحانه‌ی سالهای ۴۷ - ۱۳۴۶ بوده و چند بار در دوران رژیم پادشاهی و رژیم جمهوری اسلامی آماج یورش ارگانهای سرکوبگر قرار گرفته است و صدها تن از مبارزانش به زندان افتاده‌اند که اکثر آنها متحمل احکام سنگین و حتی اعدام شده‌اند.

بیش از پنج هزار کادر و عضو حزب دمکرات در این مبارزه‌ی قهرمانانه و سرشار از افتخار به شهادت رسیده‌اند که حدود ۲۵ تن از آنها در زمره‌ی کادر رهبری بودند که در صدر همه نام سه رهبر بلند پایه: پیشوا قاضی محمد، دکتر قاسملو و دکتر شرفکندی می‌درخشد.

در پی آغاز پروژه نیم بند تکوین دولت - ملت در ایران هیأت حاکمه چه در دوران پادشاهی و چه در دوران جمهوری اسلامی، هیچگاه حاضر نبوده گامی در راستای حل مسأله‌ی ملی کرد و دیگر ملیتهای ساکن ایران بردارد. نگرش تمامیت‌خواهانه‌ی



هیأت حاکمه و انکار کثیرالمله بودن ایران و مسأله‌ی ملی و مشروع کرد، عامل تداوم این معضل بوده است.

مسأله‌ی کردها در ایران نه‌تنها از سوی قدرت مرکزی بلکه از سوی ناسیونالیسم ایرانی در خارج از حاکمیت رسمی و حتی از سوی بخشی از اپوزیسیون سراسری و روشنفکران ایرانی، به عنوان يك مسأله‌ی ملی دائماً مورد انکار قرار گرفته است. مشکل در اینجاست که این دیدگاه به جای آنکه جوهر ملی مسأله‌ی کرد و حق این ملت در رقم زدن سرنوشت خویش را مبنا قرار دهد، می‌کوشد با بی‌توجهی به این واقعیت و از کنار آن گذشتن، در راستای حفظ هژمونی هویت ملت حاکم عمل کند. همچنانکه تابو تلقی کردن و مبنا قرار دادن تمامیت ارضی در ایران نیز چیزی نیست جز ابزاری در خدمت این تفکر غیر دمکراتیک و شوونیستی.

بدلیل همین دیدگاه تمامیت‌خواهانه‌ی قشر حاکم است که حتی بحث دمکراسی نیز در رابطه با مسأله‌ی ملی در ایران مورد تحریف واقع می‌گردد. جنبش کرد در روند خویش همواره عدم وجود دمکراسی را عامل لاینحل باقی ماندن مسأله‌ی کرد ارزیابی کرده است. تجارب گذشته نشان می‌دهد که ملت کرد از حل دمکراتیک مسأله خویش در شرق کردستان استقبال می‌کند. اما متأسفانه بدلیل غیردمکراتیک بودن قدرت حاکم بر کردستان، خواست صلح‌جویانه‌ی ملت کرد با زبانی غیر دمکراتیک و آمیخته با سرکوب پاسخ داده شده است. نیت صلح‌طلبانه و خواست (این ملت) مبنی بر استفاده از دیالوگ و گفتگو به منظور حل مسأله‌ی ملی کرد در شرق کردستان، یا از سوی نمایندگان قدرت حاکم مردود شمرده شده یا به عنوان دامی برای از بین بردن رهبران سیاسی و تضعیف جنبش کرد مورد استفاده قرار گرفته شده است.

تجارب و روند رویدادها مؤید آنند که پروژه‌ی تکوین دولت - ملت ایرانی، بر مبنای تمرکز قدرت در مرکز و انکار هویت ملیتهای ایران و تحمیل هویت يك ملت بر کلیه‌ی



ملیتهای دیگر هیچگاه موفق نبوده است. مطرح بودن مسأله‌ی ملیتها به عنوان مهمترین معضل سیاسی در ایران امروز، دلیل غیرقابل انکاری است بر اثبات این واقعیت. پافشاری بر روند ناسیونالیزم تمامیت‌خواه ایرانی نیز از همان ابتدا سترون بوده و چیزی نبوده جز تلاشی غیرمسئولانه در راستای تداوم يك تمرکزگرایی تاریخی و بر مبنای تیره ساختن هرچه بیشتر افق همزیستی داوطلبانه‌ی ملیتهای ساکن ایران.

بنابراین از دیدگاه حزب دمکرات کردستان، در پرتو نکات فوق‌الذکر و با توجه به خواست دیرینه‌ی ملت کرد و روند سیاسی فعلی کردستان، مسأله‌ی ملی کرد تنها هنگامی کاملاً حل و فصل می‌گردد که سیر طبیعی خود را طی نموده و خواسته‌های مورد نظر ملت کرد را مبنا قرار دهد. امکان همزیستی داوطلبانه‌ی ملیتهای ایران نیز - علی‌رغم تاریخ مملو از ستم و فجایع گذشته - هنگامی فراهم خواهد شد که بدون هیچ چون و چرایی احترام به اراده‌ی سیاسی ملیتهای ساکن ایران و از جمله ملت کرد در شرق کردستان سنگ بنای حل و فصل مسأله‌ی ملی در ایران آینده قرار گیرد.

جوهر برنامه‌ی حزب دمکرات کردستان بازتاب خواست ملی و دمکراتیک مردم کردستان است. اعضا و هواداران حزب باید این برنامه را به میان توده‌های مردم کردستان برده و مفاد آنرا برای مردم توضیح دهند. رفقای حزبی ضمن آنکه توضیح نقطه نظرات حزب پیرامون مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای توده‌های مردم را وظیفه‌ی خود می‌دانند، باید در راستای تحکیم هر چه فزونتر رابطه‌ی گسترده‌ی حزب و ملت و شکوفا ساختن هرچه بیشتر عرصه‌های دمکراتیک جنبش ملتمان، به گرمی از انتقادات، رهنمودها و پیشنهادات آنان استقبال نمایند.



برنامه

حزب دمکرات کردستان



فصل اول: اهداف کلی

ماده‌ی نخست: هدف استراتژیک

هدف استراتژیک حزب دمکرات کردستان، تحقق حق تعیین سرنوشت ملت کرد در شرق کردستان در ایرانی دمکراتیک فدرال و در شکل **جمهوری کردستان** می‌باشد. اتحاد داوطلبانه و عادلانه، مبنای مناسبات جمهوری کردستان با دیگر ملیتهای ایران است.

ماده دوم: ماهیت جمهوری کردستان

جمهوری کردستان از ساختاری ملی، دمکراتیک و کردستانی برخوردار است.

۱- جمهوری کردستان یک حاکمیت سیاسی - مردمی است که با رأی توده‌های مردم تشکیل می‌گردد.

۲- جمهوری کردستان دارای هویتی ملی است زیرا نماد خاتمه بخشیدن به ستم بوده و مظهر حاکمیت ملت کرد در شرق کردستان است.

۳- جمهوری کردستان دمکراتیک است زیرا با رأی مردم انتخاب شده و طبق خواست و اراده‌ی مردم اداره می‌شود.

۴- جمهوری کردستان ماهیتی کردستانی دارد زیرا از حقوق مشروع کلیه اقلیتهای گوناگون ملی، اتنیک، فرهنگی و مذهبی درون این جمهوری حراست خواهد کرد.



ماده سوم: چارچوب جغرافیایی
چارچوب جغرافیایی جمهوری کردستان با توجه به عوامل جغرافیایی و خواست
اکثریت ساکنان هر منطقه‌ای، تعیین می‌گردد.



فصل دوم:

مبانی ساختاری جمهوری کردستان

ماده‌ی چهارم:

سیستم حاکمیت در جمهوری کردستان

حاکمیت در جمهوری کردستان بر مبنای پرنسپهای کلی آتی الذکر تشکیل و اداره

می‌گردد:

۱- هر قدرتی از اراده و رأی مردم سرچشمه می‌گیرد. دستگاههای اجرایی، قانونگزاری و قضایی به شیوه مستقیم یا غیر مستقیم از نمایندگان مردم تشکیل خواهند شد. نمایندگان مردم در انتخابات مستقیم و آزاد و یکسان و نهانی از سوی مردم انتخاب می‌شوند.

۲- انتخابات بدون در نظر گرفته شدن تفاوت‌های اتنیکی، مذهبی، نژادی و جایگاه اجتماعی و صرفاً بر اساس هر فرد یک رأی و ارزش یکسان آراء خواهد بود.

۳- امکان شرکت در انتخابات و کاندیداتوری برای ارگانهای حکومتی به شیوه‌ای یکسان برای همگان تأمین خواهد شد.

۴- مردم باید امکان تأثیرگذاری بر تصمیمات و کنترل بر چگونگی اعمال حاکمیت و حتی امکان برکنارکردن حکام منتخب خود را داشته باشند.

۵- پرنسپ اکثریت آرا نباید حقوق اقلیت را نقض نماید. اساس دمکراسی در جمهوری کردستان بر مبنای مشارکت همه مردم پی‌ریزی خواهد شد. حق شرکت نسبی همه گروههایی که طبق پرنسپ اکثریت و بدلیل تفاوت‌های اتنیکی، نژادی و مذهبی در



اقلیت قرار داشته و نمی‌توانند از نمایندگان خود در حاکمیت برخوردار باشند، تضمین و حفاظت خواهد شد.

ماده پنجم: تفکیک قوا

در جمهوری کردستان دستگاههای قانونگذاری، اجرایی و قضایی مستقل از یکدیگر هستند.

ماده ششم: دستگاه اجرایی (قوه مجریه)

دستگاه اجرایی و ارگان رهبری جمهوری کردستان براساس سیستم پارلمانی از تصویب پارلمان خواهد گذشت و در مقابل پارلمان پاسخگو خواهد بود.

ماده هفتم: ریاست جمهوری کردستان

رئیس جمهوری کردستان از طرف مردم و از راه انتخابی آزادانه، برای مدت معینی که مطابق قانون مربوطه مشخص می‌گردد، برگزیده می‌شود.

ماده هشتم: پارلمان کردستان

پارلمان کردستان والاترین ارگان قانونگذاری جمهوری کردستان است. نمایندگان پارلمان در چارچوب یک سیستم چند حزبی و در رقابتی آزاد و دمکراتیک از طرف مردم برگزیده می‌شوند.

در انتخابات مربوط به ارگانهای تصمیم‌گیری سیاسی، حق شرکت افراد مستقل در آنها و کاندیدا شدنشان برای عضویت در چنین ارگانهایی خارج از لیست احزاب تضمین می‌گردد.



ماده نهم: قوهی قضاییه

قوهی قضاییه ارگانی مستقل است و اعضای آن بنا به پیشنهاد ریاست جمهوری و با تصویب پارلمان برگزیده می‌شوند.

ماده دهم: جدایی دین از حاکمیت سیاسی

در جمهوری کردستان دین از حاکمیت سیاسی جدا بوده و دولت از اصل سکولاریزم پیروی می‌نماید. کلیه‌ی افراد ساکن کردستان در گزینش آیین و مذهب آزاد هستند.

ماده‌ی یازدهم: نمادهای ملی

جمهوری کردستان دارای پرچم و سرود ملی خود می‌باشد. پرچم دولت فدرال در کنار پرچم کردستان در ارگانهای مختلف جمهوری کردستان برافراشته می‌شود.

ماده‌ی دوازدهم:

زبان رسمی در جمهوری کردستان

کردی زبان رسمی جمهوری کردستان است و در کلیه‌ی مقاطع تحصیلی از این زبان استفاده می‌شود. در جمهوری کردستان تا سن پانزده سالگی تحصیلات برای همگان امری است اجباری. زبان رسمی دولت فدرال از کلاس چهارم ابتدایی همزمان با زبان کردی در مدارس تدریس و برای مکاتبات اداری میان کردستان و مناطق دیگر ایران و در ادارات دولت فدرال نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.



ماده‌ی سیزدهم:

جمهوری کردستان و دولت فدرال

روابط با دولتهای خارجی، دفاع ملی (ارتش)، برنامه‌ریزیهای بلندمدت اقتصادی و سیستم پولی جزو وظایف دولت فدرال است. غیر از امور یاد شده، صلاحیت اداری ارگانهای دولتی در کردستان در اختیار دستگاههای جمهوری کردستان است. ساکنان منطقه تحت حاکمیت جمهوری کردستان به نسبت جمعیت و بدون هیچگونه تبعیضی در اداری امور دولت فدرال سهم خواهند بود.

ماده‌ی چهاردهم: تأمین امنیت در کردستان

امر تأمین امنیت در داخل کردستان در صلاحیت نیروی پیشمرگ و سایر ارگانهای انتظامی جمهوری کردستان است. وظیفه‌ی ارتش دفاع از استقلال کشور و حفاظت از مرزهای آن است و نباید در امور امنیت داخلی اقلیم کردستان مداخله نماید.



فصل سوم: اصول و وظایف مهم جمهوری کردستان

ماده‌ی پانزدهم:

آزادیهای دمکراتیک سیاسی و اجتماعی

۱- جمهوری کردستان در برابر دفاع از حقوق بشر و به‌کارگیری مکانیزمی ویژه در راستای تأمین چنین حقوقی برای همه‌ی ساکنان کردستان مسئول می‌باشد. در جمهوری کردستان حقوق و آزادیهای فردی و عمومی، از جمله آزادی بیان، مطبوعات و آزادی تشکل‌ها در چارچوب قانون به‌شیوه‌ای تضمین می‌گردد که با منشور حقوق بشر مغایرتی نداشته باشد.

۲- آزادی در جمهوری کردستان به معنای آزاد بودن هر یک از ساکنان کردستان در راستای اعتلای شخصیت خویش در کلیه‌ی جنبه‌های زندگی می‌باشد. وظیفه‌ی حاکمیت است که امکانات یکسان و برابر را برای کلیه‌ی افراد جامعه در راستای بهره‌مند شدن از آزادی تأمین و از آن دفاع نماید. بعلاوه فراهم ساختن آزادیهای فردی مانند حقوق شهروندی، آزادی‌گزینش دین و مذهب به گونه‌ای که حقوق سایر اعضای جامعه را پایمال ننماید، آزادی در انتخاب محل سکونت و کار، آزادی عضویت در سازمانها و احزاب سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یا کنار کشیدن از آنها جزو وظایف مهم جمهوری کردستان است.



۳ - جمهوری کردستان دفاع از حقوق کودکان در خانواده و در اجتماع را به مثابه‌ی وظیفه‌ای بنیادی برای خود محسوب می‌دارد. در این راستا از پیمان نامه‌های سازمان ملل متحد در ارتباط با حقوق کودکان تبعیت می‌نماید و برنامه‌های آموزشی فشرده‌ای را برای آن به کار می‌گیرد.

هر گونه خشونت در برابر کودکان و سوء استفاده از توانایی آنها ممنوع می‌گردد.

ماده‌ی شانزدهم: حاکمیت قانون

۱ - در جمهوری کردستان قانون مافوق کلیه قدرتهاست.

۲- کلیه افراد جامعه در برابر قانون یکسانند و زیر پا نهادن قانون به هر طریقی و از سوی هر فردی از افراد امریست نامشروع و مستلزم مجازات.

ماده‌ی هفدهم: عدالت اجتماعی

جمهوری کردستان می‌کوشد امکان کار را برای همگان تأمین نماید، درآمد عمومی را به شیوه‌ای تقسیم کند که به ارتقاء سطح زندگی افراد کم درآمد کمک نماید و نیز برای تأمین کمکهای اجتماعی اقدامات بایسته را به عمل می‌آورد.

ماده‌ی هیجدهم: جامعه‌ی مدنی

پیشرفت و شکوفایی جامعه‌ی مدنی، ماهیت دمکراتیک و مدرن جمهوری کردستان را تضمین می‌نماید. در این رابطه:

۱ - پشتیبانی از شکوفا شدن جامعه‌ی مدنی در کردستان جزو وظایف جمهوری کردستان است.

۲ - زمینه‌سازی برای پایه‌ریزی مجدد نحوه‌ی ارتباط میان جامعه و دولت بر پایه‌ی فرهنگ دمکراتیک و اصل مسئولیت پذیری دو جانبه از وظایف جمهوری کردستان خواهد بود.

ماده‌ی نوزدهم: تساوی زن و مرد



۱ - جمهوری کردستان تلاش در راستای تأمین برابری زن و مرد در خانواده، در جامعه و در عرصه‌های کار و حاکمیت را به عنوان وظیفه‌ی مهمی برای خود به حساب می‌آورد.

۲- جمهوری کردستان از میان برداشتن نابرابریها و تأمین تساوی زن و مرد در کلیه‌ی عرصه‌های زندگی را به مثابه‌ی سنگ زیربنای ایجاد جامعه‌ای مدنی، مرفعی و دمکراتیک در کردستان محسوب می‌دارد. وظیفه‌ی جمهوری کردستان است که برای ایجاد تساوی میان زن و مرد در کلیه‌ی جنبه‌های زندگی اجتماعی، اقتصادی و سلطه‌ی سیاسی، از طریق آگاهسازی و به مدد پشتیبانی قانون، اقدامات جدی و پیگیرانه به عمل آورد.

ماده‌ی بیستم: محیط زیست و منابع طبیعی

۱ - جمهوری کردستان به منظور حفاظت از طبیعت کردستان و ایجاد امکانات بهداشتی و تأمین یک زندگی بهتر برای ساکنان کردستان در عصر حاضر و برای نسلهای آینده، به پاسداری از محیط زیست اهمیت بایسته‌ای می‌دهد.

۲ - برخورداری از اقتصادی پیشرفته تا حد زیادی بستگی به بهره‌جویی کارشناسانه از درآمدها و منابع طبیعی و زیرزمینی دارد. جمهوری کردستان برای استفاده از این ثروتهای طبیعی در کردستان، باید با همکاری دولت فدرال، دارای برنامه‌ی ویژه‌ای باشد.

۳ - جمهوری کردستان موظف است در کلیه‌ی پروژه‌ها و برنامه‌ریزیها، حفاظت از محیط زیست را مدنظر داشته باشد.



فصل چهارم: هدف بلندمدت حزب

ماده‌ی بیست و یکم:

- ۱ - هدف بلندمدت حزب دمکرات کردستان تلاش در راستای ایجاد جامعه‌ای بر مبنای اصول و ارزشهای سوسیالیزم دمکراتیک در خاور کردستان می‌باشد.
- ۲ - در چنین جامعه‌ای که در آن از ارزشهای سوسیالیزم دمکراتیک پیروی می‌شود، منافع عمومی مردم آرمان اصلی است.
- ۳ - ماهیت دمکراتیک چنین سیستمی از آنجا ناشی می‌شود که در پروسه‌ای رفرمیستی و به گونه‌ای دمکراتیک و از طریق مشارکت مردم تحقق خواهد یافت.
- ۴ - مبنای سوسیالیزم دمکراتیک بر اساس عدالت اجتماعی پایه‌گذاری می‌شود. در این جامعه ستمگریهای ملی، قومی، نژادی و دینی از میان برداشته خواهد شد و برای کاستن از ابعاد آن در میان طبقات مختلف جامعه سعی لازم به عمل خواهد آمد.
- ۵ - در سوسیالیزم دمکراتیک، از سیستم بازار آزاد و تحت کنترل حاکمیت سیاسی و دمکراتیک مردمی، پیروی می‌گردد.
- ۶ - در این سیستم برای حفاظت از تعادل نسبی اجتماعی و دستاوردهای اجتماعی و دمکراتیک، علاوه بر سیستم "یک نفر یک رأی" باید سنديکاها، اتحادیه‌های کارگری و بنیادهای مختلف فرهنگی هرچه زودتر تأسیس و توسعه یابند.
- ۷ - سازگاری با شرایط ویژه‌ی میهن مان (جامعه) و رعایت منافع ملی، دو اصل بنیادین برای پیاده کردن سوسیالیزم دمکراتیک به حساب می‌آیند.



فصل پنجم: همبستگی ملتها در ایران

ماده‌ی بیست و دوم:

شیوه‌ی درست اتحاد ملتها در ایران

حاکمیت جمهوری و دمکراتیک در مدیریت می‌تواند تضمین‌کننده‌ی همبستگی و هم پیمانی پایدار و استوارتر در میان ملت‌های ایران بوده و زمینه‌ساز همزیستی داوطلبانه و عادلانه‌ای در چارچوبی مشخص در ایران آینده باشد.

حزب دمکرات کردستان کلیه‌ی ملیتهای ایران را دوست ملت کرد ارزیابی نموده و از مبارزه‌ی ملیتهای تحت ستم در جهت رهایی از ستم ملی و تأمین حقوق یکسان برای همه‌ی آنها پشتیبانی می‌نماید. از دیدگاه حزب دمکرات کردستان اتحاد میان ملتها باید دربرگیرنده‌ی اصول آتی‌الذکر باشد:

- ۱ - هر ملتی در اداره امور منطقه‌ی مربوطه توسط نمایندگان برگزیده‌ی خویش باید آزاد باشد.
- ۲ - هر يك از ملیتها باید از این حق برخوردار باشند که از طریق همه‌پرسی به ادامه این اتحاد و خروج از آن رأی دهد.
- ۳ - کلیه‌ی ملیتها به نسبت جمعیت خود باید در اداره‌ی امور دولت فدرال سهمیم باشند.
- ۴ - ایران فدرال باید دارای دو مجلس نمایندگان و ملتها باشد. اعضای مجلس نمایندگان به نسبت جمعیت تعیین گشته و برگزیده می‌شوند. لیکن شمار نمایندگان



هر کدام از ملیتها در مجلس ملتها به اندازه هم خواهد بود و هیچ مصوبه و تصمیم مهمی به‌ویژه مصوباتی که با سرنوشت ملیتهای ایران ارتباط داشته باشد، بدون تصویب مجلس اخیرالذکر قابل اجرا نخواهد بود.

۵ - چنانچه مصوبه‌ای با منافع ملی هر کدام از ملیتها در تضاد و ناهمگن باشد، باید حق وتوی آن در مجلس ملیتها برای ملت مربوطه تضمین شده باشد.



فصل ششم:

سیاست در رابطه با بخشهای دیگر کردستان

ماده‌ی بیست و سوم:

موضع جمهوری کردستان در رابطه با سایر بخشهای کردستان به این ترتیب خواهد بود:

- ۱ - خلق کرد در کلیه‌ی بخشهای کردستان و کردها در هر کجا باشند به عنوان آحاد یک ملت شناخته می‌شوند.
- ۲ - از مبارزه‌ی برحق ملت کرد در سایر بخشهای کردستان در جهت تأمین حقوق و آزادیهای ملی پشتیبانی می‌نماید.
- ۳ - به کردهایی که به دلیل مبارزه‌ی آزادیخواهانه در سایر بخشهای کردستان در معرض خطر قرار گرفته و ناچار از ترک میهن خویش می‌شوند پناهندگی سیاسی اعطا می‌کند.
- ۴ - با بخشهایی از کردستان که در چارچوب کشور مربوطه به تأمین حقوق ملی خویش نایل آمده‌اند روابط دوستانه‌ی سیاسی، اقتصادی، بازرگانی و فرهنگی برقرار می‌سازد.



اساسنامه‌ی حزب دمکرات کردستان



فصل اول: هویت حزب

ماده‌ی اول:

نام حزب "حزب دمکرات کردستان" است.

ماده‌ی دوم: حزب دمکرات کردستان یک حزب آزادیخواه ملی و دمکرات است که میهن‌پرستان و آزادیخواهان شرق کردستان را در صفوف خود گرد هم می‌آورد.

ماده‌ی سوم: حزب دمکرات کردستان یک حزب سکولار است و به جدایی دین از حاکمیت سیاسی اعتقاد دارد.

ماده‌ی چهارم: حزب دمکرات کردستان در روابط خود با احزاب و سازمانها از اصل پلورالیزم سیاسی پیروی می‌نماید.



فصل دوم: عضویت در حزب

ماده‌ی پنجم: شرایط کسب عضویت

کلیه‌ی ساکنان و همه کردهای شرق کردستان می‌توانند به عضویت حزب دمکرات کردستان درآیند مشروط بر آنکه:

- سن آنها کمتر از ۱۸ سال نباشد.

- برنامه و اساسنامه حزب را بپذیرند.

- افرادی خوشنام و میهن پرست باشند.

ماده‌ی ششم: طریقه‌ی پذیرش اعضاء

برای آنکه فردی به عضویت حزب پذیرفته شود باید:

- دو نفر از اعضای حزب او را معرفی کنند.

- حداقل شش ماه دوره‌ی آزمایشی را بگذرانند.

- عضو حزب یا سازمان سیاسی دیگر نباشد.

- از سوی اکثریت اعضای یکی از حوزه حزبی یا ارگانی بالاتر به عضویت پذیرفته

شود.

تبصره:

آن گروه از شخصیت‌های اجتماعی، فرهنگی و علمی که خود را به سیاستها و

دیدگاههای حزب نزدیک می‌بینند به مثابه‌ی دوستان حزب مورد احترام قرار می‌گیرند و

از همکاری و نظرات آنان استقبال می‌شود.



فصل سوم: وظایف و حقوق اعضا

ماده‌ی هفتم: وظایف اعضای حزب

- عضو حزب موظف است برای تحقق بخشیدن به اهداف حزب که در برنامه مندرج است کوشا باشد.
- در راستای دفاع از وحدت سیاسی و تشکیلاتی حزب تلاش نماید.
- طبق اساسنامه از دیسپلین حزب پیروی کند.
- حافظ اسرار حزب باشد.
- در جهت ارتقاء سطح آگاهی سیاسی و اجتماعی خود بکوشد.
- سیاست حزب را به میان توده‌های مردم برده و روابط خود را با آنها تحکیم بخشد و از نظرات و تجربیات آنها بهره گیرد.
- حق عضویت را بپردازد.

ماده‌ی هشتم: حقوق عضو حزب

عضو حزب حق دارد که:

- به عضویت یا به عنوان مسئول هر یک از ارگانهای حزب برگزیده شود یا منصوب گردد.
- در جلسات یا گردهماییهای حزبی، علناً هر فرد و یا ارگانی را مورد انتقاد قرار دهد.
- سیاستهای حزب را مورد پرسش قرار دهد و تغییر آنها را خواستار گردد.



- از طریق تشکیلات به همه‌ی ارگانهای حزبی پیشنهاد نماید، نظرات خود را با آنها در میان بگذارد یا از آنها پرسش نماید.
- شکایت خود از هر ارگانی را با ارگان بالاتری در میان بگذارد.
- در هر يك از جلسات ارگان مربوطه که کار و فعالیت وی را ارزیابی و درباره‌ی آن تصمیم گیری نماید می‌تواند شرکت کند.

ماده‌ی نهم: مجازات عضو

- ۱- اعضایی که وظایف خود را به انجام نمی‌رسانند یا برخلاف اساسنامه‌ی حزب رفتار می‌نمایند یا مرتکب عملی می‌گردند که اعتبار حزب را خدشه‌دار می‌نماید، متناسب با جرم ارتكابی مجازات می‌گردند. مجازاتهای حزبی عبارتند از:
 - تذکر شفاهی
 - تذکر کتبی
 - خلع مسئولیت
 - تعلیق عضویت
 - اخراج از حزب
- ۲- حداکثر مدت تعلیق عضویت يك سال است.
- ۳- مجازات حزبی از سوی سازمان حزبی مربوط به هر يك از اعضا و با اکثریت آراء تعیین می‌گردد.
- ۴- هدف از مجازات حزبی راهنمایی کردن عضو خاطی است و صرفاً زمانی عضو مجازات می‌گردد که راههای دیگری، از قبیل انتقاد و راهنمایی، در تصحیح رفتار وی بی اثر بوده باشد.



- ۵- به عضو اخراجی این حق داده می‌شود که از ارگان بالاتری درخواست تجدید نظر نماید و حتی می‌تواند چنین درخواستی را به کنگره نیز بفرستد.
- ۶- سابقه‌ی حزبی عضو تعلیق شده بعد از پایان مدت تعلیق، در نظر گرفته خواهد شد و طبق نظر ارگان مربوطه به وی مسئولیت سپرده می‌شود.



فصل چهارم: ساختار حزب

ماده‌ی دهم: ساختار حزب

۱- اصول بنیادین سازماندهی ساختار حزب به ترتیب زیر است:

کلیه‌ی ارگانهای حزب از پایین به بالا برگزیده می‌شوند.

- ارگانهای حزب گزارش کار و فعالیت خود را به گونه‌ای مرتب هم به آن بخش از

اعضای حزب که آنها را برگزیده‌اند و هم به ارگان مافوق خود می‌دهند.

- در ارگانهای حزب اتخاذ تصمیمات به شیوه‌ی جمعی و با اکثریت آراء انجام می-

گیرد.

- در داخل حزب برای کلیه اعضا، بدون هیچگونه تفاوتی، یک نوع دیسپلین وجود

دارد.

- تصمیمات اتخاذ شده از سوی ارگان مافوق از سوی ارگان پایین تر به اجراء

درمی‌آید.

- اطلاعات لازم درباره‌ی هرگونه دگرگونی در زمینه‌های امور داخلی تشکیلات،

مسائل سیاسی و روابط حزب با سایر احزاب و غیره به گونه‌ای سیستماتیک در داخل

حزب اعلام می‌شود.

- به فردپرستی و دیکتاتوری در هیچ یک از مراتب تشکیلاتی راه داده نمی‌شود و

در مورد آن پیگرد لازم صورت می‌گیرد.



– در داخل حزب وجود گروه و فراكسيون علنی فكري و سياسي به رسمیت شناخته می‌شود و هر گروهی حق دارد که افکار و عقاید خود را در درون تشکیلات حزب ابراز دارند.

تبصره:

هر نوع دسته‌بندی مخفیانه جرم محسوب شده و مستوجب مجازات می‌باشد.

ماده‌ی یازدهم: سازمانهای حزبی

- ۱- مبنای سازمان حزب حوزه حزبی است و تعداد اعضای هر حوزه نباید از سه نفر کمتر باشد.
- ۲- سازمانهای حزب از طریق کمیته ده، محله، شهر، منطقه، شهرستان و مرکز اداره می‌شوند.
- ۳- وظایف حوزه و کمیته‌های ده، محله، شهر، منطقه، شهرستان و مراکز حزبی ترویج و تبلیغ سیاست حزب در میان توده‌های مردم و اجرای تصمیمات کمیته‌ی مرکزی و ارگانهای مسئول می‌باشد.
- ۴- کمیته‌ی هر سازمانی از سوی اعضای آن سازمان یا از سوی نمایندگان آنها برگزیده می‌شود.
- ۵- بالاترین ارگان هر يك از سازمانهای حزبی کنفرانس آن می‌باشد که هر دو سال یکبار از اعضای حزبی سازمان مربوطه یا نمایندگان آنان برگزار می‌شود.
- ۶- سازمانهای حزبی در حوزه‌ی فعالیت خویش می‌توانند دارای برنامه و پروژه‌ی کاری ویژه‌ی خود باشند.



تبصره ۵:

- ۱- در شرایط ویژه، کمیته‌ی مرکزی می‌تواند شیوه‌های دیگری را برای سازماندهی حزب به تصویب برساند.
- ۲- سازمانهای حزبی در خارج از کردستان طبق آیین‌نامه‌ی ویژه و مناسب اداره می‌شوند که به تصویب کمیته‌ی مرکزی رسیده باشد.



فصل پنجم: ارگانهای رهبری حزب

ماده‌ی دوازدهم: کنگره‌ی حزب

۱- کنگره بالاترین ارگان حزب است.

- ۲- کنگره‌ی حزب هر سه سال یکبار از اعضای اصلی و علی‌البدل و مشاورین کمیته‌ی مرکزی و اعضای کمیته‌ی دفاع از اساسنامه‌ی حزب و به نسبت تعدادی که کمیته‌ی مرکزی تعیین می‌نماید، از نمایندگان سایر اعضای حزب تشکیل می‌گردد.
- ۳- کنگره‌ی فوق‌العاده بنا به درخواست کمیته‌ی مرکزی یا دو سوم کمیسیونها و کمیته‌های وابسته به کمیته‌ی مرکزی و کمیته‌ی خارج از کردستان تشکیل می‌شود.

ماده‌ی سیزدهم:

آماده کردن و شیوه‌ی برگزاری کنگره یکی از وظایف کمیته‌ی مرکزی است.

ماده‌ی چهاردهم:

وظایف و اختیارات کنگره عبارتند از:

- ۱- گزارش کمیته‌ی مرکزی را ارزیابی نموده و درباره‌ی آن رأی می‌دهد.
- ۲- خطوط کلی، استراتژی و تاکتیکهای حزب را تعیین می‌نماید.
- ۳- برنامه و اساسنامه‌ی حزب را تصویب می‌کند و در صورت لزوم آن را مورد بازنگری قرار می‌دهد.



ماده‌ی پانزدهم: مکانیزم انتخاب کمیته‌ی مرکزی از طرف کمیته‌ی مرکزی پیشنهاد می‌شود و کنگره درباره‌ی آن تصمیم می‌گیرد.

تبصره:

- ۱- کمیته‌ی مرکزی می‌تواند حداکثر به تعداد یک چهارم اعضای اصلی خود، از اعضای حزب را مستقیماً و با داشتن حق رأی در کنگره شرکت دهد.
- ۲- افرادی می‌توانند به عضویت کمیته‌ی مرکزی یا اعضای علی‌البدل آن برگزیده شوند که دست کم ۳ سال سابقه‌ی عضویت در حزب را داشته باشند.

ماده‌ی شانزدهم: کنفرانس حزب

- ۱- کنفرانس حزب زمانی برگزار می‌گردد که:
 - امکان برگزاری کنگره وجود نداشته باشد.
 - چنان مشکلاتی پیش آمده باشد که کمیته‌ی مرکزی توانایی چاره‌یابی برای آنها را نداشته باشد.
- در چنان شرایطی کنفرانس از صلاحیت کنگره برخوردار است.
- ۲- کنفرانس از اعضای اصلی، علی‌البدل و مشاوران کمیته‌ی مرکزی، اعضای کمیسیون دفاع از اساسنامه، نمایندگان کمیته‌های شهرستانها، مراکز حزبی، کمیته‌ها و کمیسیونهای وابسته به دفتر سیاسی و اعضای کمیته‌ی رهبری امور حزبی در خارج از کردستان تشکیل می‌شود.
- ۳ - تعداد نمایندگان این کمیته‌ها و کمیسیونها از طرف کمیته‌ی مرکزی تعیین می‌گردد، لیکن در هر حال شمار نمایندگان برگزیده باید از تعداد اعضای اصلی، علی‌البدل، مشاوران کمیته‌ی مرکزی و اعضای کمیسیون دفاع از اساسنامه، بیشتر باشد.



ماده‌ی هفدهم: کمیته‌ی مرکزی حزب

- ۱- در فاصله‌ی میان دو کنگره، کمیته‌ی مرکزی بالاترین ارگان حزب است و امور حزبی را به انجام می‌رساند.
 - ۲- وظایف و صلاحیت کمیته‌ی مرکزی به شرح زیر است:
 - مصوبات کنگره را اجراء می‌کند.
 - مسئول نظارت و تصمیم‌گیری در مورد سیاست حزب در چارچوب برنامه و تصمیماتی است که از سوی کنگره تنظیم و اتخاذ شده است.
 - دبیرکل حزب، جانشینان وی و نیز اعضای دفتر سیاسی را انتخاب می‌نماید.
 - میزان حق عضویت اعضای حزب را تعیین می‌نماید و مسئول درآمدها و هزینه‌های حزب است.
 - دست کم، هر سال سه بار تشکیل جلسه می‌دهد. اعضای علی‌البدل و مشاوران کمیته‌ی مرکزی در جلسات کمیته‌ی مرکزی شرکت می‌نمایند و دارای رأی مشورتی می‌باشند.
- تبصره:
- ۱- کمیته‌ی مرکزی می‌تواند تا نصف تعداد اعضای اصلی این کمیته، مشاورینی را برای خود انتخاب نماید.
 - ۲- جلسات کمیته‌ی مرکزی با شرکت دست‌کم دوسوم اعضای اصلی آن رسمیت می‌یابد.
 - ۳ - مصوبات کمیته‌ی مرکزی زمانی قطعیت می‌یابد که بیش از نیمی از اعضای اصلی یا دوسوم از اعضای اصلی حاضر در جلسه به آنها رأی مثبت بدهند.



- ۴- کمیته‌ی مرکزی این صلاحیت را دارد که مواضع و اقدامات دبیرکل و معاونان وی و نیز همه‌ی اعضای دفتر سیاسی را مورد تحقیق و بررسی قرار داده و از آنان بازخواست نماید.
- ۵ - هیچ فردی نمی‌تواند بیش از دو دوره متوالی به دبیرکلی برگزیده شود.

ماده‌ی هیجدهم: کمیسیونهای حزبی

- ۱- کمیسیونهای حزبی بنا به تشخیص کمیته‌ی مرکزی و با تصویب این کمیته تشکیل می‌گردند.
- ۲- این کمیسیونها به پیروی از استراتژی بلندمدت و برنامه‌ی کار سالانه و چند ساله‌ی خود، که در کمیته‌ی مرکزی به تصویب می‌رسند، فعالیت می‌کنند.
- ۳- این کمیسیونها در چارچوب آیین‌نامه‌ی مربوطه، در پیشبرد استراتژی و اجرای برنامه‌ی کاری خود و اخذ تصمیمات لازم مستقل می‌باشند.

ماده‌ی نوزدهم: دفتر سیاسی حزب

- ۱- دفتر سیاسی متشکل از دبیرکل و دو نفر جانشین و شمار دیگری از اعضا می‌باشد که کمیته‌ی مرکزی در مورد آن رأی می‌دهد.
- ۲- در فاصله‌ی میان دو جلسه‌ی کمیته‌ی مرکزی، دفتر سیاسی مسئول اجرای مصوبات کمیته‌ی مرکزی حزب است.
- ۳- دفتر سیاسی امور کمیسیونها را در جلسات خود مورد بررسی قرار داده و تصمیمات لازم را در مورد آنها اتخاذ می‌نماید.
- ۴- دفتر سیاسی طبق ضرورت به تشکیل جلسات خود اقدام نموده و گزارش اقدامات خود را به کمیته‌ی مرکزی ارائه می‌دهد.



ماده بیستم: سکرتریای حزب، دبیرکل و معاونان دبیرکل

الف: دبیرکل

- ۱- دبیرکل حزب سخنگوی رسمی حزب در خارج از حزب است.
- ۲- در میان کمیسیونهای حزبی ایجاد هماهنگی می‌نماید.
- ۳- در غیاب دبیرکل، معاون اول و در غیاب هر دوی آنها معاون دوم مسئولیت مربوطه را عهده‌دار می‌گردد.
- ۴- دبیرکل حزب بدون مشورت با معاونان خود و به تنهایی هیچگونه تصمیمی اتخاذ نمی‌نماید مگر زمانی که فرصت مشورت کردن نباشد و امر عاجلی پیش آید.
- ۵- دبیرکل و معاونان وی حداقل هفته‌ای یکبار تشکیل جلسه می‌دهند.

ب: معاونان دبیرکل

- ۱- معاونان دبیرکل با دبیرکل حزب رایزنی می‌کنند و در تصمیمات دبیرکل از حق رای برخوردارند.
- ۲- معاون اول مسئول کسب اطلاعات در مورد تحولات و مسائل سیاسی مهم مرتبط با حزب و ارائه معلومات و اطلاعات لازم به دبیرکل حزب می‌باشد.
- ۳- معاون دوم بنابه توصیه‌ی دبیرکل، برگزاری جلسات دفتر سیاسی و کمیته‌ی مرکزی را ترتیب می‌دهد و اعضای مربوطه را به شرکت در آن فرا می‌خواند.
- ۴- معاونان دبیرکل از طرف شخص دبیرکل کاندیدا می‌شوند و با رأی کمیته‌ی مرکزی انتخاب می‌گردند.



تبصره:

- مسائلی که به کلیت حزب ارتباط دارند باید در کمیته‌ی مرکزی مورد بحث قرار بگیرند و به رأی گذاشته شوند.
- تصمیم در مورد آن بخش از مسائلی که به کار و فعالیت همه کمیسیونها ارتباط دارند باید در دفتر ریاسی اتخاذ شود
- تصمیم به هر کمیسیونی مربوط باشد باید با شرکت مسئول آن کمیسیون مورد بحث قرار بگیرد و درباره‌ی آن رأی‌گیری شود.

ماده‌ی بیست و یکم:

مرکز تحقیقات استراتژیک سیاسی و برنامه‌ریزی

مرکز تحقیقات استراتژیک سیاسی و برنامه‌ریزی با تصویب دفتر سیاسی و با رایزنی با کمیته‌ی مرکزی، از افراد متخصص در زمینه‌ی تحقیقات علمی، سیاسی و فرهنگی در داخل و خارج از حزب تشکیل می‌گردد و کمیته‌ی مرکزی مسئول تهیه‌ی آیین‌نامه‌ای برای شیوه‌ی فعالیت آن می‌باشد.



فصل ششم:

کمیسیون دفاع از اساسنامه‌ی حزب

ماده‌ی بیست و دوم: کمیسیون دفاع از اساسنامه‌ی حزب از افراد کارشناس در زمینه برنامه و اساسنامه‌ی حزب تشکیل می‌شود که کنگره آنها را برمی‌گزیند.

ماده‌ی بیست و سوم: وظایف و صلاحیت کمیسیون دفاع از اساسنامه عبارتند

از:

- ۱- بر اجرای اساسنامه در ارگانهای حزب نظارت می‌نماید.
- ۲- از طریق نمایندگان خود در کنفرانسهای حزب شرکت می‌جوید و در مورد صلاحیت کنفرانسها و صحیح بودن شیوه‌ی انتخاب اعضای کمیته‌ها و نمایندگان کنگره اظهار نظر می‌کند.
- ۳- به شکایات اعضای معلق یا اخراج شده رسیدگی می‌کند و چنانچه مجازات مربوطه را برخلاف اساسنامه‌ی حزب تشخیص دهد، پیشنهاد لغو آنها می‌نماید.

تبصره:

- ۱- کمیسیون دفاع از اساسنامه در امور اجرایی حزب دخالت نمی‌کند.
- ۲- کمیسیون درباره‌ی مجازاتهای اداری یا مجازات پیشمرگان تحقیق نمی‌کند و صرفاً در مورد مجازاتهای حزبی اظهار نظر می‌کند.
- ۳- کمیسیون نظرات و پیشنهادات خود را جهت تصویب به کمیته‌ی مرکزی ارائه می‌دهد.



فصل هفتم: منابع مالی حزب

ماده‌ی بیست و چهارم: منابع مالی حزب عبارت است از:

- حق عضویت اعضای حزب.
- کمکهای مالی اعضاء، هواداران و دوستان حزب.
- درآمدهای حاصله از سرمایه‌گذاریها و پروژه‌ها.

تبصره:

- ۱ - در کمیسیون امور دارایی و مالی حزب به هیأتی مأموریت داده می‌شود که مسئولیت مؤسسات و بنیادهای مالی و اقتصادی حزب را عهده‌دار گردد. این هیأت هر شش ماه یکبار، یا هر زمان که دفتر سیاسی لازم بداند، گزارش مالی و دارایی حزب را به کمیته‌ی مرکزی می‌دهد. چارچوب چنین گزارشی را دفتر سیاسی تعیین می‌نماید.
- ۲ - کمیسیون امور دارایی و مالی حزب باید هیأتی از افراد متخصص در داخل حزب در کردستان و در خارج از کردستان را برای تحقیق درباره‌ی امکان سرمایه‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های مناسب با هدف تحکیم بنیه‌ی مالی و دارایی حزب تشکیل دهد.



فصل هشتم: چند پرنسیپ کلی

• سیستم کار و فعالیت حزب باید از کار روتین به سوی فعالیت‌های آگاهانه و هدفمند و برنامه‌ی کاری مکتوب تغییر یابد. برای دستیابی به چنین هدفی نیز، باید همه‌ی تشکیلاتها، کمیسیونها و تیمهای کاری حزب دارای طرح و برنامه‌ی کاری مدون و مختص به خود باشند. در این رابطه باید به بخش طرح و برنامه‌ریزی، هم در سطح رهبری و هم در سطح تشکیلاتها، به عنوان بخشی از کار حزبی اهمیت لازم داده شود.

• گردهمائیهای کمیته‌ها، کمیسیونها، کنفرانسها و کنگره‌های حزب بدون آگاهی شرکت‌کنندگان از دستور کار آن تشکیل نخواهد شد. تصمیمات و نتایج حاصله‌ی از گردهمائیهای حزب باید مکتوب گردیده و به عنوان سند نگهداری شوند.

• رفراندوم در حزب

رفراندوم در حزب زمانی صورت می‌گیرد که:

- مسأله‌ی مهم و سرنوشت‌سازی پیش آید که کمیته‌ی مرکزی خواهد درباره‌ی آن رأی بدهد.
- دست کم دو سوم از اعضای کمیته‌ی مرکزی خواستار این رفراندوم باشند.
- در چنین حالتی کمیته‌ی مرکزی موظف است که هرچه زودتر - حداکثر تا یک ماه - برای برگزاری رفراندوم اقدام به تشکیل کمیته‌ای متشکل از نمایندگان تشکیلاتها و ارگانهای رهبری حزب بنماید.



تبصره ۵:

- ۱- نمایندگان کمیته‌ی مرکزی، اعضای کمیته‌ی خارج از کردستان و اعضای کمیسیونهای وابسته به دفتر سیاسی هر کدام یک سوم از اعضای کمیته‌ی اجرایی رفراندوم را تشکیل می‌دهند.
 - ۲ - این کمیته مسئول آماده کردن پرسشهای مربوط به رفراندوم، شیوه‌ی به برگزاری و اعلام نتیجه‌ی آن می‌باشد.
 - ۳ - پرسشهای مربوط به رفراندوم باید به تصویب کمیته‌ی مرکزی برسد.
- شمار قابل توجهی از اعضای ارگانهای رهبری حزب باید از زنان تشکیل شود. برای دستیابی به چنین هدفی باید مکانیزمی درخور به کار آید و چنانچه لازم باشد از اصل تبعیض مثبت نیز استفاده گردد. هدف از تعیین چنین نسبتی تلاش در راستای ایجاد برابری در مشارکت زنان و مردان در این ارگانها در آینده است. از این رو، در صورت امکان، در انتخابات آینده‌ی این ارگانها این نسبت باید افزایش یابد.